

مطالعه نقش مایه انسان در کاشی‌های مجموعه کاخ گلستان^۱

الهه پنجه‌باشی^۲

فرنیا فرهد^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۰۸

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۴/۱۰

چکیده

مجموعه کاخ گلستان، محل اقامت شاهان سلسله قاجار و از زیباترین و کهن‌ترین بناهای ایران به حساب می‌آید. این کاخ دارای مجموعه‌ای از بناهای گوناگون است که در محوطه‌ای بزرگ در کنار هم قرار گرفته‌اند. محوطه باستانی کاخ گلستان پوشیده شده از تزیینات فراوان کاشی‌کاری است. کاشی‌ها، مجموعه‌ای تصویری از نقش‌های متنوع با مضامین ملی و تاریخی می‌باشند که همگی ویژگی‌ها و شرایط اجتماعی، سیاسی دوره قاجار را به نمایش درآورده‌اند. تلاش نگارندگان در مقاله حاضر، بر آن بوده تا ویژگی نقوش کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان را بررسی کنند. آن چه در این پژوهش، مورد مطالعه قرار گرفته است، حضور نقش انسان، به عنوان یکی از نقوش اصلی قاجار در این بنا می‌باشد. بر این اساس، پرسش‌های این مقاله به این ترتیب است: در کاشی‌کاری محوطه باستانی کاخ گلستان از چه نقوشی استفاده شده است؟ نقوش انسانی در کاشی‌های محوطه کاخ گلستان چگونه تصویر شده است؟ روش تحقیق، تاریخی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات، اسنادی (کتابخانه‌ای) و میدانی بوده است. نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد: از نقوش قابل توجه در این بنا، نقوش انسانی زن و مرد است که در قالب‌های مختلف واقع‌گرایانه و انتزاعی به نمایش درآمده‌اند. نقش مرد، بیش از نقش زن دیده می‌شود؛ شیوه ترسیم نقوش انسانی و پوشش شخصیت‌ها با تاثیرپذیری از شیوه‌های غربی شکل گرفته است. علاوه بر غرب‌گرایی، نقوش در قالب موضوعی، اصالت فکری ایرانی را حفظ کرده‌اند. از این رو، شاهد پیوند هنر ایران و اروپا در نقوش انسانی محوطه باستانی کاخ گلستان می‌باشیم.

واژگان کلیدی: قاجار، کاخ گلستان، کاشی، انسان، نقش

مقدمه

کاشی کاری در معماری قاجار، جایگاه ویژه‌ای دارد. کاخ گلستان با قدمتی بالغ بر ۴۴۰ سال، یکی از منحصر به فردترین مجموعه‌های تاریخی ایران می‌باشد. کاخ گلستان در دوم تیرماه ۱۳۹۲ خورشیدی و در سی و هفتمین اجلاس سالانه کمیته میراث جهانی سازمان یونسکو، به عنوان میراث بشری از جانب یونسکو به ثبت رسید. این بنا، قدیمی‌ترین بنای سلطنتی در شهر تهران محسوب می‌شود. سرتاسر دیواره‌های محوطه بیرونی این بنا از کاشی‌های رنگارنگ پوشیده شده است. این کاشی‌ها، به صورت هفت‌رنگ و به‌شيوه زیرلعابی نقاشی شده‌اند و دارای مضامین و نقوش متنوعی می‌باشند که همگی تلفیقی از شیوه سنتی و غربی را نشان می‌دهند. به طور کلی، علل و عوامل شاخص و مؤثر در تغییر مبانی تصویری نقاشی قاجاری را می‌توان در مواردی مانند ورود تفکر حجم‌گرایانه به موازات نگرش انسان مدارانه و به دنبال آن تمایلات شبیه‌سازی، استفاده از پرسپکتیو غربی و فضا سازی سه بعدی در اثر، استفاده از دورنما سازی در پس‌زمینه، بهره‌گیری افراطی از عناصر تزئینی و در نهایت استفاده از اشیاء زندگی معاصر در اثر دانست (اسدپور، ۱۳۹۳: ۷). در این پژوهش -که ماهیت تاریخی- تحلیلی دارد- به مطالعه ویژگی‌های تصویری نقوش بر روی کاشی‌های محوطه کاخ گلستان پرداخته شده است. در کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان نقوش‌های گیاهی، جانوری و انسانی به‌تکرار دیده می‌شوند. در میان این نقوش، نقش انسانی زن و مرد و شیوه ترسیم آن‌ها، در لابلای گل و پیچک‌های نقاشی شده روی کاشی، بیش از دیگر نقوش، چشم بیننده را به خود جلب می‌کند. در این پژوهش، برای تحلیل از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. در نهایت به این نتیجه می‌رسیم که نقوش انسانی، به دو صورت شخصیت واقع‌گرایانه و شخصیت غیرزمینی ترسیم شده است؛ در این میان، نقش تصویری مرد تنوع بیشتری دارد و بیش از نقش انسانی زن دیده می‌شود. شیوه ترسیم پیکره‌ها و نوع پوشش آن‌ها، همگی با الهام از شیوه‌های غربی صورت گرفته است. در نقوش انسانی، شاهد پیوند هنر غرب و هنر سنتی ایرانی هستیم. شخصیت‌ها بیش تر مضامین تاریخی دارند و ویژگی هنر قاجار را نشان می‌دهند. این نقوش، همچون دفتری مصور، تاریخ قاجار را روایت می‌کنند و نشانگر فرهنگ غنی و کهن ایرانی هستند.

پیشینه پژوهش

دوره قاجار، شروع تحولات جدید در هنرکاشی کاری و کاربرد آن در معماری ایران است. مرتضی گودرزی (۱۳۸۸)، در کتاب «آیین‌ها خیال» کاشی‌کاری‌های موجود در بناهای معماری دوره قاجار را مورد مطالعه قرار داده است و در بخشی، تابلوهای کاشی کاری شده کاخ گلستان را بررسی می‌نماید. اعظم کریمی (۱۳۸۵)، در مقاله «بررسی نقش‌های کاشی کاری مجموعه کاخ گلستان» و علی اسدپور (۱۳۹۳)، در مقاله «تحلیل ماهیت و ساختار بازنمایی فضای شهری در کاشی کاری‌های قاجاری کاخ گلستان» و سامانیان (۱۳۹۳)، در مقاله «بررسی مضامین تصویری کاشی‌های نقش برجسته موجود در تالار اصلی کاخ موزه گلستان» بخش‌هایی از کاشی‌های بنای کاخ گلستان را مورد پژوهش قرار داده‌اند. با این حال، در مقاله پیش‌رو کوشش شده تا با رویکردی تحلیلی و با بهره‌گیری از پژوهش‌های یاد شده، نقوش انسانی و ویژگی آن‌ها در کاشی‌های موجود در محوطه باستانی کاخ گلستان مورد بررسی قرار گیرد.

روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی (کتابخانه‌ای) و مشاهدات میدانی است و کاشی‌کاری‌های محوطه باستانی کاخ گلستان با رویکرد تاریخی-تحلیلی بررسی شده است. بنابر این رویکرد، ویژگی‌های تصویری کاشی‌های محوطه کاخ گلستان با نقش انسان تحلیل شده است.

معرفی مجموعه کاخ گلستان

دوران قاجار از اواخر قرن دوازدهم هجری قمری آغاز شد و در سراسر قرن سیزدهم هجری قمری ادامه داشت. این دوران با ادوار تغییر و تحول شگرف در تاریخ اجتماعات بشر هم‌زمان است (معتضد، ۱۳۸۵: ۱). زمان شاه عباس اول در محل کاخ گلستان فعلی، عمارت دیوانی چهار باغ و چنارستانی احداث شده بود. در بین سال‌های ۱۱۶۳-۱۱۹۳ ه. ق. هم‌زمان با حکومت کریم خان زند، ارگ و حصار و برج‌هایی در این مکان ساخته شد و هنگام حکومت قاجاریه در داخل ارگ، بناهایی چند احداث گردید. در زمان حکومت ناصرالدین شاه به سال ۱۲۶۸ ه. ق. قسمت شرق باغ توسعه یافت و کاخ‌های دیگر در اطراف آن - که باغ گلستان نامیده می‌شد- بنا گردید (تفضلی، ۱۳۸۷: ۱۷۵). در واقع، مجموعه کاخ گلستان در زمان

سلطنت ناصرالدین شاه شکل کنونی به خود گرفت و در حال حاضر تنها بخش باقی مانده از ارگ تاریخی تهران است (کریمی، ۱۳۸۵: ۶۱). این بنا از لحاظ نقشه، شبیه به کاخ‌های عهد ساسانی است و مجموعه بناهای آن، الگوی مناسبی برای مطالعه معماری صد سال اخیر است (توحیدی، ۱۳۸۶: ۲۸۳). پس از بازسازی کاخ گلستان، علاقه ناصرالدین شاه به کاشی کاری رنگارنگ، گچ‌بری و آیینه‌کاری، جای گرایش فتحعلی‌شاه به تزیینات منقوش را گرفت. بررسی آرایه‌ها، نقوش و شیوه پرداخت آن‌ها، نه تنها اطلاعاتی درباره زیباشناسی می‌دهد، بلکه نشانه‌های مهمی درباره هنرهای اجتماعی و سیاسی آن روزگار را ارائه می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۱۱-۱۲). مجموعه باستانی کاخ گلستان با وقایع سیاسی فوق‌العاده موثر، بخش جدایی‌ناپذیر از حافظه تاریخی ملت ایران را تشکیل می‌دهد. با این اوصاف، کاخ گلستان با قدمتی که از لحاظ حافظه تاریخی به ۴۴۲ سال می‌رسد، یکی از منحصر بفردترین مجموعه‌های تاریخی ایران می‌باشد؛ این مجموعه با این قدمت، نه تنها بیانگر بخش مهمی از تاریخ هنر این مرز و بوم است، بلکه به واسطه رخداد‌های فوق‌العاده، مانند انقلاب مشروطه و تبعات ناشی از آن، به مجموعه‌ای بی‌بدیل و سندی زنده از مهم‌ترین بخش تاریخ ایران تبدیل گشته است. مجموعه کاخ‌های باغ گلستان، در حال حاضر شامل موزه، تالار آیینه، تالار برلیان، تالار عاج، شمس‌العماره، تالار ظروف، ایوان تخت مرمر، عمارت بادگیر، نگارخانه، عکس‌خانه، تالار الماس، تالار سلام، کاخ ابیض، خلوت کریمخانی و حوضخانه می‌باشد که در مرکز شهر کنونی تهران و در محوطه‌ای با دیوارهای منقوش از کاشی‌های هفت رنگ قرار گرفته‌اند.

استفاده از کاشی در کاخ گلستان

همانند دیگر هنرهای ایران در عهد اسلامی، صنعت و هنر کاشی کاری نیز از اعتبار و ارزش ویژه‌ای برخوردار است. سابقه هنر کاشیگری توامان با تزیین - که در استحکام بناهای تاریخی نقش موثری داشته است - به گذشته بسیار دور، باز می‌گردد (کیانی، ۱۳۷۶: ۱۲۹). کاشی کاری در ایران از مهم‌ترین مظاهر بروز مفاهیم معنوی و عرفانی در هنر به شمار می‌رود، و در تزیینات مساجد و اماکن مذهبی، رکن اصلی را ایفا می‌کند (سیف، ۱۳۶۲: ۱۵۳). کاشی کاری در دوره قاجار، ادامه کاشی کاری دوره صفویه و زندیه است؛ ولی مشخصه‌ای دارد که آن را از دوره‌های قبل از خود متفاوت

می‌سازد؛ در دوره قاجار کاشی به‌مشابه یک بوم نقاشی بوده است و روی آن، موضوعات مختلف، نقاشی می‌شده است (سالاری‌دهقان، ۱۳۸۹: ۵۱). کاشی کاری در دوره قاجار، با درهم آمیختن سنت‌های فنی و طراحی با شمایل‌گری و نگاره‌گزینی سرزنده و شوق‌انگیز خود، حیات و حرکت تازه به هنر این دوره می‌بخشد (فریه، ۱۳۷۴: ۲۹۰). در دوره قاجار، کاشی کاری با استفاده از هفت‌رنگ طیف خورشید در کاشی‌های مشهور به کاشی‌های هفت‌رنگ، زیبایی و ابتکار تازه‌ای در کاشی کاری به وجود آورده است (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰: ۳۰۸). شیوه کاشی کاری در این دوره، به طور معمول، در دسته‌های کاشی‌های هفت رنگ و به شیوه زیر لعابی می‌باشد که کاشی‌های مجموعه کاخ گلستان نیز در این دسته، قرار می‌گیرند.

- **شیوه کاشی کاری:** کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان، از مجموعه کاشی‌های هفت‌رنگ می‌باشد. کاشی‌های هفت‌رنگ، شهرت بسیاری دارند و از کاشی‌های خشت، یعنی چهارگوش ریشه گرفته‌اند. هفت‌رنگ متداول، عبارت است از: سیاه، سفید، لاجوردی، فیروزه‌ای، قرمز، زرد و حنایی که در ابنیه‌های تاریخی و متبرکه زیاد استفاده می‌شده است (ماهرالنقش، ۱۳۸۱: ۵۱). با توجه به این که، کاشی معرق از قرن یازدهم هجری، اقتصادی و مقرون به صرفه نبود، نوع هفت‌رنگ مرسوم و متداول شد (زمرشیدی، ۱۳۹۱: ۶۹). از ویژگی‌های کاشی هفت‌رنگ این بود که، از نظر ساخت به زمان کم تری نیاز داشت و میدان هنرنمایی برای استادان و نقاشان به‌نحوی فراهم شد؛ آن‌ها توانستند از محدودیت شکل‌های هندسی، رها شوند و مناظر و نقش‌های مختلفی را روی خشت‌های پخته، بکشند و به شکل کاشی درآورند (کیانی، ۱۳۹۰: ۱۲۳). در دوره قاجار، کاربرد شیوه کاشی هفت‌رنگ همراه با رنگ آمیزی زیر لعاب روش غالب بوده است (کاربونی و ماسویا، ۱۳۸۱: ۱۱). برای ساخت و اجرای کاشی هفت‌رنگ، ابتدا طرح‌های مورد نظر را بر روی کاشی ساده، آماده می‌کردند؛ سپس نقش‌ها و نگاره‌ها را به رنگ‌های گوناگون درمی‌آوردند؛ سرانجام، لعاب می‌دادند و به کوره می‌بردند (کیانی، ۱۳۷۶: ۱۳۳). مهم‌ترین خصوصیات کاشی‌های زیر لعابی دوران قاجار، تنوع رنگ، تنوع نقوش، برجسته بودن و کاربردهای مختلف آن است. طیف رنگ‌ها گسترده بود و علاوه بر رنگ‌های مورد استفاده در دوره‌های قبل، از رنگ‌های

جدیدی نیز استفاده می‌شده است (Fehervari, 2000: 232). این شیوه و ویژگی‌های آن، بر روی کاشی‌های هفت‌رنگ محوطه باستانی کاخ گلستان نیز تکرار شده است. این کاشی‌ها با رنگ‌های متنوع نقاشی شده‌اند و در آن‌ها، از رنگ‌های زرد و آبی لاجوردی بیش از دیگر رنگ‌ها بهره گرفته شده است. در نوع چیدمان و ترکیب بندی نیز، کاشی‌ها و نقش‌ها بیش‌تر به صورت قرینه هستند که این مورد، نوعی نظم و ریتم یک‌نواخت در فضا ایجاد نموده است. در تصویر ۱، این موضوع بررسی شده است. این کاشی‌ها ویژگی‌های فرهنگی ایران را در قالب تصاویر متنوع با رنگ‌های درخشان به نمایش گذاشته است.



تصویر ۱- بررسی رنگ و ترکیب‌بندی قرینه در نمونه کاشی موجود در محوطه باستانی کاخ گلستان (منبع: نگارندگان).

به کار رفته در کاشی کاری قاجار به چند گروه تقسیم می‌شوند، گروه نخست، چهره شاهزادگان، درباریان زن و مرد با لباس‌های فاخر؛ گروه دوم، صحنه‌های درباری شامل حضور سفیران و نمایندگان سیاسی، دیدار مردم با شاه و غیره؛ گروه سوم، نقاشی‌های درباری مانند رقص و حرکات بندبازی که عموماً زنان انجام می‌دادند؛ گروه چهارم، نقاشی‌های حماسی، مذهبی و ملی بودند (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰: ۳۰۰). در مجموعه کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان نیز شاهد نقوش متنوعی از این گروه، مانند نقوش گیاهی، جانوری، انسانی و هندسی می‌باشیم که نقش‌های هندسی، اسلیمی و پیچک‌ها در کنار نقش گل‌دان‌های گل و سبدهای میوه، فرشتگان و اساطیر و یا پرندگان مشاهده می‌شوند. در لابلای این نقوش، تک قاب‌هایی از کاشی نیز به چشم می‌آید که صحنه‌هایی از بناهای معماری و یا شخصیت‌های انسانی را در بر گرفته‌اند، که تمامی این نقش‌ها، ویژگی‌های ترسیمی قاجار دارند و در این بین، موضوع انسان و شیوه ترسیم شخصیت‌ها بیش از دیگر نقوش، چشم بیننده را به خود جلب می‌کنند. در جدول ۱، نمونه نقش‌های استفاده شده در حیاط باستانی مجموعه، معرفی شده است.

جدول ۱. نمونه نقش‌های موجود در کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان

انسانی	حیوانی	گیاهی
		
تصویر زن، مرد، اساطیر (انسان غیر زمینی)	شیر، اسب، سگ، پرنده، بز و ...	گلدان گل، سبد میوه، نقوش اسلیمی، درخت و ...
اشیا	معماری	هندسی
		
کلاه خود، شمشیر، گرز، تیر و کمان و ...	کاخ‌ها، خانه‌های اشرافی، کلیساها و ...	ستاره هشت پر، قاب‌های بیضی و مستطیلی شکل

(منبع: نگارندگان)

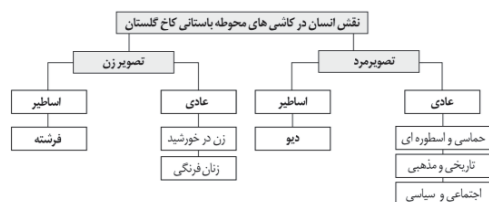
نقوش کاشی: تصاویر نقاشی شده بر روی کاشی در دوره قاجار، ادامه سنت‌های باستانی است و به تقلید از آن، در بهره‌گیری از موضوعات یادشده، به‌علاوه با تأثیرپذیری از هنرهای نوپای آن زمان، همچون عکاسی، چاپ سنگی، نقاشی روی کاشی وارد مرحله جدیدی می‌شود (سامانیان، میرعزیزی و فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۶۱). در موضوعات کاشی کاری قاجار، تحولات نسبی به وجود می‌آید و نقوش تزئینی قاجار، شامل اشکال هندسی، اسلیمی، ختایی، گل فرنگی (لندنی)، مناظر شکارگاه، گلدان‌های پر گل و مرغ، تصاویر شاهان و درباریان، شاهزادگان، نقش شیر و خورشید و فرشتگان است. جنبه‌های طبیعت‌گرایانه و نقش و نگارهای این دوره، همراه با رنگ‌های تند، فضایی کاملاً دنیوی و متفاوت از دوره‌های قبل ایجاد می‌کند (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰: ۳۹۹). تأکید هنر قاجار بر موضوعات مرسوم در هنر ایران باستان، به منظور برابر نهادن اقتدار سیاسی شاهان قاجار با شاهان ایران باستان و مشروعیت بخشیدن به قدرت و حاکمیت دوره است (آژند، ۱۳۸۵: ۴۱). سلیقه شخصی و علائق شاهان قاجاری، به‌ویژه «ناصرالدین شاه» برای هنرمندان، در حرکت به سوی هرچه بیش‌تر غربی شدن تصاویرها و نقش‌ها و همچنین وجود فن «عکاسی» و صنعت «چاپ» در تغییرات ایجادشده در سنت کاشی کاری دوره قاجار مؤثر بوده است (کریمی، ۱۳۸۵: ۶۰). طرح و نقش‌های

- شیوه ترسیم نقوش: تمامی تصاویر به سبک و سیاق نقاشان قاجاری ترسیم شده است. تاثیر از چاپ سنگی، نقاشی قهوه‌خانه‌ای، عکاسی و کارت پستال‌های غربی به خوبی نمایان است. نقاشی «قهوه‌خانه» به‌طور عام، بازتاباننده علائق، آمال، اسطوره‌ها، اعتقادات ملی و مذهبی حاکم بر اقشار متوسط و پایین جامعه شهری ایران است. موضوعات ترسیم‌شده در نقاشی قهوه‌خانه، اغلب دارای منشأ دینی و ادبی است (ضرغام و گرونیانی ۱۳۹۳: ۷). رنگ‌ها و شیوه ترسیم در نقاشی قهوه‌خانه‌ای، برای خودشان مفهوم و شأنی دارند. قلم‌گیری‌های سیاه و توجه به ریزه‌کاری، سادگی و صراحت در طرح، استفاده از تیرگی و روشنی در ترسیم تصاویر وجود دارد. تمامی این ویژگی‌ها از نکاتی هستند که در نقاشی قهوه‌خانه‌ای و تاثیر آن بر نقاشی کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان دیده می‌شود. همچنین نقش‌ها، به‌خصوص در نقش‌های انسانی-که به صورت تک رنگ ترسیم شده‌اند- یادآور شیوه طراحی در کتاب‌های «چاپ سنگی» می‌باشند. «این تصویرسازی‌ها، ضمن بیان قدرت طراحی، بر سادگی طرح، حذف رنگ و تزئین لباس‌ها تاکید می‌کنند. حجم‌پردازی، سایه روشن و طبیعت‌گرایی به کمک هاشورزنی به عنوان بارزترین نمود بصری چاپ سنگی است و با روش‌هایی نظیر نقطه چین اجرا شده است. در واقع، عنصر بصری اصلی در تصاویر این چاپ سنگی‌ها خط است» (مراثی و جباری، ۱۳۹۲: ۵۸-۵۹). تعداد بسیاری از کاشی‌ها با طرح بناهای معماری و یا منظره‌هایی از طبیعت هستند، که شیوه ترسیم آن‌ها همچون کارت پستال‌هایی است که از اروپا به ایران آورده شده بود؛ کارت پستال‌ها، بر نقش‌ها و شیوه ترسیم نقوش کاشی، بسیار تأثیر گذاشته‌اند. عکاسی نیز بر شیوه اجرای چهره‌ها و حالات مختلف نقش‌های انسانی بسیار تأثیرگذار بوده است. نقش پراهمیت انسانی در محوطه باستانی کاخ گلستان در بخش بعدی بررسی می‌شود.

نقش انسان در کاشی کاری محوطه باستانی کاخ گلستان

رویکرد انسان مدارانه از گذشته‌های دور در نگارگری ایران همواره دیده شده است و رویکرد به زیباشناسی ناب، هیچ‌گاه نقاشی ایرانی را از توجه به انسان و ارزش‌های بصری باز نداشته است (پاکباز، ۱۳۸۱: ۹). در محوطه باستانی کاخ گلستان، از جمله پر کاربردترین نقش‌ها، تصویر انسان است. نقش انسان در

کاشی محوطه باستانی کاخ گلستان، در قالب موضوعات مختلف حماسی و اسطوره‌ای، تاریخی و مذهبی، اجتماعی و سیاسی تصویر شده است. نقش انسان در این مکان، به دو دسته دیگر از نظر جنسیت تقسیم می‌شود که شامل نقوش انسانی زن و نقوش انسانی مرد می‌باشد. در مقایسه، نقش مرد، بسیار پر رنگ‌تر است. در نمودار ۱، این نقش‌ها طبقه‌بندی شده است.



نمودار ۱. طبقه‌بندی نقوش انسانی در محوطه باستانی کاخ گلستان (منبع: نگارندگان)

با مطالعه بر روی کاشی‌های به‌جای مانده در بناهای مختلف دوره قاجار، درمی‌یابیم که شیوه ترسیم نقوش، به ویژه نقوش انسانی با یکدیگر شباهت‌های بسیاری دارند؛ این یکنواختی، تکرار و شباهت‌ها نشان می‌دهد، نقاشان این دوره، همگی تحت تاثیر شیوه و روش خاصی دست به خلق اثر می‌زدند.

- نقش انسانی زن: استفاده از نقش‌مایه زنانه در محصولات هنری قاجار، از جمله در کاشی‌نگاری‌ها، فضاهای خصوصی و نیمه‌خصوصی کاخ‌ها و خانه‌های اعیان و اشراف، از ویژگی‌های شاخص این دوره می‌باشد. تصویر زنان نقش بسته بر روی کاشی‌ها در تعامل هویتی با تصویر زن فرنگی، چهره جدیدی از زن را به نمایش گذاشته‌اند؛ در این راستا، شاهد حضور تصویر زن ایرانی اسلامی و هم حضور نقش زن غربی هستیم (افضل طوسی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۷۷). بررسی کاشی‌های موجود، درمی‌یابیم که بیش‌ترین نقش زن روی کاشی‌ها، به‌صورت نقش اساطیری فرشته یا خورشید، ترسیم شده است؛ در مواردی معدود و تنها در یک قاب، تصاویری از زنان فرنگی مشاهده می‌شود که بی‌شک آن هم، تحت تاثیر کارت پستال‌های غربی ترسیم شده است. به‌طور کلی، با مطالعه کاشی‌کاری دوره قاجار، تصویر زن با توجه به اعتقادات مذهبی ایرانیان، کم‌تر عنصر اصلی تصویر بوده است و بیش‌تر به صورت نمادی از فرشته و خورشید در قالب جسمی غیر زمینی به تصویر درآمده است؛ در کاشی‌های موجود در محوطه کاخ گلستان نیز این امر تکرار شده است. در تصویر زن در قالب خورشید، خورشید پشت

شیر پنهان شده است؛ این نقش، به تکرار در کاشی کاری‌های به‌جای مانده از دوره قاجار دیده می‌شود و چهره‌ای که از خورشید ارائه شده است، اغلب یک زن قاجاری با ابروان پیوسته است (گودرزی، ۱۳۸۸: ۱۶۵). تصویر زن در خورشید با گیسوان و ابروهای مشکی و گاه به هم پیوسته، چشمان بادامی و درشت و صورتی سرخ گونه همگی الهام گرفته از زن شرقی است. این نقش، به صورت تنها در لچکی‌ها و یا تاج کاشی یا همراه با نقش شیر ترسیم شده است. ترکیب این دو عنصر با یکدیگر مفهوم نمادین دارد؛ خورشید نماد زن، حیات و زندگی است؛ شیر نماد مردانگی و عظمت است و در معنای اول خود، محافظ زن و خورشید زندگی است. «قدیمی‌ترین مفهوم نمادین نقش شیر و خورشید، مفهوم نجومی این نقش است - که قدمت آن به هزاره چهارم قبل از میلاد بر می‌گردد - از نظر منجمین، هرگاه کوكب خورشید در برج اسد (شیر) قرار بگیرد، زمان آسایش و امن است» (Ettinghausen, 1954: 349). به همین دلیل، نقش شیر و خورشید به عنوان نمادی خوش یمن همیشه مورد توجه منجمین و هنرمندان بوده است و مفهوم مذهبی این نقش از دوران سلجوقی به بعد به عنوان نماد شیعه در اماکن و اشیاء مذهبی طرح شده است؛ در واقع در فرهنگ اسلام، خورشید نماد پیغمبر (ص) و حضرت علی (ع) است (خزایی، ۱۳۸۱: ۳۲). در تصویر ۲، تمامی نقش‌های موجود از زن در خورشید در محوطه باستانی کاخ گلستان نشان داده شده است.



تصویر ۲- مجموعه‌ای از نقش زن در خورشید، در محوطه باستانی کاخ گلستان (منبع: نگارندگان).

- نقش انسانی مرد: در تصویر مرد، تنوع بیش‌تری هم از لحاظ شیوه ترسیم و هم از لحاظ موضوعی دیده می‌شود. مرد به صورت شخصیت‌های سیاسی، ملی، مذهبی، سربازان جنگجو یا محافظ وجود دارد. گاه تصویر انسانی مرد به صورت انفرادی در قاب قرار می‌گیرد و گاه تصویر نقاشی شده او را در تابلوهای داستانی محوطه می‌توان مشاهده نمود. تک فریم‌های موجود بر روی کاشی‌های لعابدار و برجسته محوطه باستانی کاخ گلستان، تصاویری از شخصیت‌های ملی، مذهبی را به نمایش می‌گذارند. این پیکره‌ها اغلب به صورت برجسته هستند و با استفاده از هاشور و دورگیری‌های مشکی رنگ ترسیم شده‌اند و رنگ‌های روشن، آن‌ها را پوشش داده‌اند. این شیوه، الهام گرفته از تصاویر چاپ سنگی این دوره می‌باشد. پیکره‌ها به صورت نیم‌رخ یا سه‌رخ ترسیم شده‌اند و نگاه آن‌ها به خارج از کادر هدایت می‌شود؛ این نوع ترکیب‌بندی و شبیه‌سازی از رواج عکاسی در این دوره، ریشه گرفته است. تصویر ۳، این نوع ترکیب‌بندی را مشخص می‌نماید.



تصویر ۳- آنالیز ترکیب‌بندی و جهت نگاه با تأثیر از عکاسی، در نمونه نقش‌های انسانی در کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان (منبع: نگارندگان).

در تابلوهای بزرگ محوطه - که اغلب روایت‌کننده داستان‌های ملی، مذهبی نظیر شاهنامه هستند - تصویر مرد به شکلی متفاوت‌تر نمایان می‌شود. در تصویر پیکره انسانی شخصیت‌های داستانی این تابلوها، نوعی اغراق دیده می‌شود که تأثیر گرفته از شیوه نقاشی قهوه‌خانه‌ای است. روی هم قرارگیری پیکره‌ها، استفاده از پرسپکتیو مقامی و اندام‌های پویا از دیگر ویژگی‌های تأثیر گرفته از نقاشی قهوه‌خانه است که در تابلوهای محوطه باستانی کاخ گلستان دیده می‌شود. همچنین نوع آرایش صورت و لباس، کاملاً به سبک قاجاری است؛ چشمان درشت، سبیل و ابروهای پرپشت، پوست روشن و گونه‌های سرخ‌گون همگی بازگوکننده هویت نقاشی قاجار و به طور کلی، مردان مشرق زمین در این دوره هستند. در جدول ۲، نمونه نقش انسانی مرد در قالب موضوعات مختلف نشان داده شده است.

جدول ۲. نمونه نقش انسانی مرد، در قالب موضوع های مختلف در محوطه باستانی کاخ گلستان.

موضوع	ویژگی	تصویر
ملی، تاریخی (هرمز، گشتاسب، بهرام و...)	تک چهره‌های ترسیم شده از شخصیت‌های معروف ملی، تاثیر از چاپ سنگی و عکاسی. (تکرنگ، همراه با قلم‌گیری و حجم‌پردازی، سایه روشن و طبیعت‌گرایی به کمک هاشورزنی، ترکیب‌بندی ایستا مشابه با عکاسی)	
حماسی (روایت کننده داستان‌ها ی حماسی)	معرف داستان‌های مشهور شاهنامه، تاثیر از نقاشی قهوه‌خانه‌ای. (غلو در شیوه ترسیم، استفاده از رنگ‌های تند، ترسیم چشمان درشت و سیاه، پوست روشن، ترسیم لباس با جزئیات، حجم‌پردازی و واقع نگاری، پر تحرک و پویا و...)	
درباری (سربازان و پیش خدمتان دربار و...)	نوع پوشش و آرایش صورت دارای ویژگی‌های نقاشی قاجار می‌باشد. (قامت بلند و کشیده، دست بر کمر، لباس با تزیینات فراوان، صورت سفید و پشمان درشت و...)	
اجتماعی (کشاورز، دامدار، ماهگیر و شکارچی ...)	نمایش مردم عادی با پوشش ساده، استفاده از طبیعت پردازی و سایه روشن، در حال سوارکاری، شکار و کار و زندگی روزمره و...)	

(منبع: نگارندگان)

نقش انسان اساطیری

در ایران اسطوره‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند و اغلب از دل ادبیات کهن شکل می‌گیرند. این نقوش در حوزه‌های مختلف هنری تصویرسازی شده‌اند. در قسمت‌هایی از نقوش کاشی کاری محوطه باستانی کاخ گلستان نیز نقش انسان و حیوان ترکیب شده است و نقش اساطیری و غیر زمینی دیو و فرشته را نمایش می‌دهد. این دو نقش در بسیاری از آثار به جای مانده از عهد قاجار تکرار شده است که همیشه بازگوکننده نماد خیر و شر بوده است.

نقش اساطیری زن: نقش زن بالدار به عنوان موجودی غیرزمینی و فرشته گونه است. این نقش، بیش تر در کاشی کاری‌های بخش ورودی سردرها دیده

می‌شود؛ از این رو، آن‌ها را فرشتگان محافظ نیز می‌توان نامید. «فرشتگانی که اندامی کاملا انسانی به همراه دو بال دارند، به طوری که، اگر بال‌ها از این شخصیت‌ها حذف شود، هیچ فرقی با پیکره‌های انسانی زنانه ندارند. پیکره و اندام آن‌ها، نازک، ظریف و زنانه است. تصویرسازان از پاکی و ظرافت زنانه استفاده کرده‌اند و فرشتگان را از این حیث، به زنان شباهت داده‌اند. بال‌های این فرشتگان، در اندازه‌های مختلف و به اشکال متفاوت، از پشت بدن فرشته روییده‌اند (موسوی و خزایی، ۱۳۸۹: ۴۱). بال، روی بدن انسان علامت الوهیت، طبیعت روحانی، تحرک، حفاظت و نیروهای فراگیرنده خدا است. بال‌ها، نشانه پیک ایزدان تیزپا و نیروی ارتباط بین ایزدان و انسان‌ها هستند (کوپر، ۱۳۷۹: ۵۱). تصویرگری دوره قاجار، تأثیرهای شگرفی از تصویرسازی شیوه اروپایی پذیرفت و تقلید و کپی‌برداری از تصویرهای غربی و همچنین رواج عکاسی و نقاشی از روی عکس، موجب ایجاد نگاهی طبیعت‌انگار شد (خلیلی، ۱۳۸۶: ۱۴۵). در تصویر زن فرشته در کاشی‌های محوطه کاخ گلستان، اندام بدن زن گاه با پوشش و گاه بدون پوشش ترسیم شده است. عدم توجه به اصل اسلام در تصاویر فرشتگان برهنه، نشان دهنده تأثیرپذیری نقاش از شیوه ترسیم فرشتگان غربی است. شیوه ترسیم و رنگ آمیزی‌های استفاده شده در تصویر زن بالدار موجود در کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان، کاملا متفاوت از شیوه ترسیم و رنگ آمیزی‌های تصویر زن در خورشید می‌باشد و حالاتی از زن غربی، به نمایش گذاشته شده است، که تأکیدی بر قدمت و فراگیری این نقش در آثار جهانی و غربی است. نقش فرشته بالدار در فضاهای غیر هندسی و در لابلائی نقوش اسلیمی، و با رنگ‌های ملایم و متمایل به صورتی، نزدیک به شمایل واقع‌گرایانه انسانی ترسیم شده است. رنگ‌بندی، نوع پوشش و حالات پیکره‌ها در کنار یکدیگر و استفاده از نماد بال، تصویر را به شخصیتی فرازمینی تبدیل کرده است و آن را از دیگر نقش‌های انسانی ترسیم شده در کاشی‌ها، متمایز می‌کند. در تصویر ۴، نمونه‌های قابل مشاهده از حضور فرشتگان در کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان آورده شده است.

فرشتگان با بدن‌های برهنه و متجسد -که چهره و ابروانی قاجاری دارند- با حرکت شبه اسلیمی‌های شیپورگونه، بر نشاط ساده لوحانه فضای نقوش می‌افزایند (گودرزی، ۱۳۸۸: ۱۵۶). برهنه بودن

فرشتگان در برخی از تصاویر نقاشی شده روی کاشی‌ها و استفاده از سایه روشن و حجم نمایی در پوشش فرشتگان و اندام آن‌ها، تاکید محکمی بر نفوذ شیوه نقاشی اروپایی در هنر نقاشی قاجار است. علت این تاثیرپذیری از غرب، در پی رشد ارتباطات فرهنگی میان جامعه ایران و اروپا در دوره قاجار بوده است. مشابه این تصاویر را می‌توان در نقاشی دیواری‌های دوران رنسانس در اروپا نیز مشاهده نمود. «این فرشتگان یادآور (کوپید) کودک- خدای عشق یونانیان باستان می‌باشند؛ بنابراین، در دوره قاجار هم مانند رنسانس، فرشته‌ها از جایگاه آسمانی خود به زمین نزول کرده‌اند» (صفرزاده، ۱۳۹۳: ۶۴). فرشتگان به صورت تفکیک شده و در فریم‌های جداگانه ترسیم شده‌اند و در کنار این نقش، پیکره‌های انسانی دیگری دیده نمی‌شود. این طور به نظر می‌رسد که، تلفیق و همراهی فرشتگان با دیگر شخصیت‌های انسانی، از اهمیت و ارزش آن‌ها می‌کاسته است؛ بنابراین، ترسیم جداگانه این شخصیت‌ها، در هر قاب و قرار دادن فضاهای مجزا برای آن‌ها، تاکید بر ارزش و اهمیت آن‌ها است. در مقابل نقش زن فرشته، نقش انسانی مرد قرار دارد، که از دیگر نقش‌های پرکاربرد انسانی در کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان می‌باشد و بسیار متمایز از نقش فرشته، ترسیم شده است. در بخش بعدی، ویژگی نقش انسانی مرد بررسی شده است.



تصویر ۴- نقش اساطیری فرشته در کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان (منبع: نگارندگان).

نقش اساطیری مرد: نقش اساطیری دیو از نظر ساختاری، شباهت بسیاری به پیکره انسانی مرد دارد. واژه دیو یکی از واژه‌های کهن است و قدمت آن به دوران «آریاها» می‌رسد (عفیسی، ۱۳۸۳: ۵۲۲). در نقاشی‌های به‌جای مانده از دوره قاجار، نقش دیو بسیار تکرار شده است و شیوه ترسیم آن، به‌گونه‌های مختلفی دیده می‌شود. «نوع اول: دیوانی که اندام انسانی دارند و قادرند از اعضای بدنشان به‌مانند انسان‌ها استفاده کنند؛ اما جثه‌ای عظیم‌تر از انسان دارند، با قدرت بدنی و توانمندی در ماهیچه‌های بدنشان؛ در چهره بیش‌تر آن‌ها، سبیل و ریشی دیده می‌شود. سطح بدن بیش‌تر دیوان، به‌صورت خال‌دار

بوده و در آن، نقطه‌هایی منظم و کنار هم - که به‌صورت یکسان در سطح بدن پراکنده شده‌اند- دیده می‌شود. نوع دوم: دیوهایی هستند که سرشان، به شکل سر حیوانات خاصی است. بدن این دیوان، مانند بدن دیوان گروه اول است؛ ولی در به تصویر کشیدن سر این دیوان، از حیواناتی چون فیل، شیر، گوزن، عقاب و گرگ استفاده شده است. نوع سوم: گروه دیگری از دیوان وجود دارند که سرهای زیادی دارند که همه به نوعی به هم چسبیده و شبیه هم هستند» (موسوی و خزایی، ۱۳۸۹: ۴۳). در محوطه باستانی کاخ گلستان، تصویر دیو به دو صورت تصویر شده است؛ نمونه اول، نقش دیو در تابلوی نبرد دیو و رستم است که تعریف شیوه ترسیم آن، در نوع اول قرار می‌گیرد؛ نمونه دوم، تصویر دیو در لچکی‌های برخی از تابلوهای کاشی‌کاری شده در محوطه است. در گوشه‌های این کاشی‌ها، تنها چهره‌ای از سر دیو به نمایش درآمده است که رنگ پوست و اجزای صورت آن، کاملاً غیر انسانی و دیوگونه است. ولی در تابلوی روایت‌کننده داستان شاهنامه، دیو با اندامی انسانی‌تر ترسیم شده است و تنها فرم گوش‌ها و اضافه کردن شاخ به پیکره، او را به شخصیتی اساطیری تبدیل نموده است. در جدول ۳، نمونه‌های استفاده شده از این نقش در محوطه باستانی کاخ گلستان بررسی شده است.

جدول ۳. نمونه نقش اساطیری دیو در محوطه باستانی کاخ گلستان.

نقش دیو در تابلوهای داستان	
	جثه‌ای بزرگ و قوی، بدنی خال‌دار و پر مو، صورت خشن با دو شاخ حیوانی
	نقش دیو در لچک کاشی‌ها
	رنگ پوست بنفش، اجزای صورت حیوانی، با گوش‌های دراز، شبیه به خفاش

(منبع: نگارندگان)

در هر دو نمونه، دیو به عنوان نمادی از پلییدی و شر آمده است و تصویری در مقابل فرشته است. در حالات و شیوه ترسیم نقش دیو، اغراق وجود دارد و به دلیل استفاده از اجزای صورت حیوانی، از حالت انسانی خارج شده است.

نتیجه گیری

بنای کاخ گلستان از قدیمی ترین بناهای سلطنتی در دوره قاجار است که در زمان ناصرالدین شاه، شکل کنونی را به خود می‌گیرد. با توجه به علاقه شاهان قاجار به تزیینات در معماری، شاهد به کارگیری مجموعه‌ای از هنرها، مانند گچ‌بری، آئینه‌کاری، کاشی کاری و ... در این بنا هستیم. حیاط کنونی کاخ گلستان، از کاشی با نقوش متنوع پوشیده شده است، که چشم هر بیننده را به خود جلب می‌کند. کاشی‌ها از تصاویر حیوانات، پرندگان، گل و میوه، نقوش اسلیمی و هندسی و تصاویری از بناهای معماری و شخصیت‌های انسانی - که به شیوه کاشی هفت‌رنگ و به صورت زیرلعابی نقاشی شده‌اند- پوشیده شده‌اند. این نقوش، همگی با الهام از نقاشی قاجاری، نقاشی قهوه‌خانه‌ای، چاپ سنگی، عکاسی و کارت پستال‌های اروپایی شکل گرفته‌اند؛ غرب‌گرایی از ویژگی اصلی این هنرهای قاجاری بوده است. از این رو، به مطالعه نقش‌های استفاده شده در کاشی کاری‌های این بنا و چگونگی ترسیم تصویر انسان، به عنوان یکی از پر اهمیت‌ترین نقش‌های به کار برده شده در این کاشی‌ها، پرداخته شده است. در نهایت، چنین نتیجه گرفته می‌شود که، با توجه به شرایط اجتماعی دوره قاجار و انسان‌گرایی در تمامی شئون فرهنگی هنری این دوره و علاقه پادشاهان و درباریان به ثبت چهره انسانی، موجب می‌شود که نقش انسان، اهمیت فراوانی پیدا کند. در محوطه باستانی کاخ گلستان، نقش انسانی مرد و زن به دو صورت واقع گرایانه و اساطیری دیده می‌شود. نقش زن در کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان، متمایز از نقش انسانی مرد ترسیم شده است و تصویر زن در قالب خورشید و به صورت نقش اساطیری فرشته دیده می‌شود. شیوه ترسیم پیکره‌ها و نوع پوشش نقش زن در قالب فرشته، تحت تاثیر هنرهای غربی شکل گرفته است و برهنه بودن تصویر زن، گواهی بر تاثیرپذیری این نقش، از هنر غرب می‌باشد. نقش فرشته، یادآور تصویر (کوپید) کودک یا خدای عشق یونانیان باستان است که در نقاشی‌های به‌جای مانده از دوره رنسانس بسیار دیده می‌شود.

نقش مرد، به صورت شخصیت‌های سیاسی، ملی، مذهبی، سربازان جنگجو یا محافظ و موجودات اساطیری چون دیو وجود دارد که در نقش دیو، حالات و اندام حیوانی با نقش انسان ترکیب شده است. این دو نقش، نمادهایی از خیر و شر را به نمایش گذاشته‌اند و اشاره به داستان‌های تاریخی دارند. از نظر موضوعی نیز نقوش انسانی مرد، تنوع بیش‌تری را نسبت به نقش زن دارا می‌باشند. تمامی این نقوش در کاشی‌ها با پیوند هنر، دین و سیاست، به عنوان کتابی تصویری، روایتگر فرهنگ و تاریخ دوره خویش می‌باشند و نقش انسان، مهم‌ترین راوی این رویدادها است.

منابع

- آژند، یعقوب (۱۳۸۵). دیوارنگاری در دوره قاجار، *هنرهای زیبا*، شماره ۲۵، ۳۶-۴۱.
- آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). *کتاب ایران، تاریخ هنر*، تهران: الهدی مرکز مطالعات فرهنگی بین‌الملل.
- اسدپور، علی (۱۳۹۳). تحلیل ماهیت و ساختار بازنمایی فضای شهری در کاشی کاری‌های قاجاری (مورد مطالعه: کاخ گلستان تهران)، *پژوهش‌های منظر شهر*، سال اول، شماره ۱، ۷-۱۶.
- افضل طوسی، عفت السادات؛ سلاحی، گلناز و سلاحی، لادن (۱۳۹۲). مطالعه کاشی نگاره‌هایی با نقوش زنان قاجاری در خانه‌های شیراز، *زن در فرهنگ و هنر*، شماره ۴، ۵۷۰-۵۷۷.
- پاکباز، روبین (۱۳۸۱). *نقاشی ایرانی از دیرباز تا به امروز*، تهران: زرین و سیمین.
- تفضلی، عباسعلی (۱۳۸۷). *تاریخ هنر و معماری اسلامی از مغول تا آخر قاجار*، مشهد: سخن گستر.
- توحیدی، فائق (۱۳۸۶). *مبانی هنرها*، تهران: سمیرا.
- خزایی، محمد (۱۳۸۱). *مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
- خلیلی، ناصر (۱۳۸۶). *مجموعه هنر اسلامی، گرایش به غرب در زمان قاجار*، تهران: کارنگ.
- زمرشیدی، حسین (۱۳۹۱). سیر تحول کاشی کاری در آثار معماری صفویه تا به امروز، *مطالعات معماری*، شماره ۲، ۶۶-۶۹.
- سالاری طالقانی، معصومه (۱۳۸۹). *بررسی تطبیقی نقوش کاشی کاری عهد صفویه و قاجار*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- سامانیان، صمد؛ میرعزیزی محمود و فیروز آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۳). بررسی مضامین تصویری کاشی‌های نقش برجسته موجود در تالار اصلی کاخ موزه گلستان، *هنرهای زیبا*، دوره ۱۹، شماره ۱، ۵۹-۷۲.
- سیف، هادی (۱۳۶۲). محراب جلوه گاه اصیل هنر تزئینی اسلامی، *هنر*، شماره ۳، ۱۴۸-۱۵۳.
- صفرزاده، نغمه (۱۳۹۳). مقایسه تطبیقی تصویر فرشتگان در ایران و اروپا، *چیدمان*، شماره ۶، ۶۳-۶۸.

- Farshad (Text in Persian).
- Ettinghausen, R. (1954). The 'Wade Cup' in the Cleveland Museum of Art, Its Origin and Decorations, *Ars Orientalis University of Michigan*, No: 2, pp: 349.
- Eydfar, N. (2013). *Art and Architecture in Qajar*, Tehran: Guided (Text in Persian).
- Fehevar, G. (2000). *The Art of the Islamic World in the Tareq Rajab museum*, London: I.B. Tavis & co.
- Ferrier, R. W. (1995). *The Arts of Persia*, P. Marzban, Tehran: Farzan (Text in Persian).
- Goudarzi, M. (2009). *Mirror of Imagination: A Review on Architectural Decorations of Qajar Era*, Tehran: Soore Mehr (Text in Persian).
- Karimi, A. (2006). A Study on Tile-Work Motifs of Golestan Palace, *Roshd: Education*, No: 1, pp: 61-60 (Text in Persian).
- Khalili, N. (2007). *Islamic Art, Orientation Toward the West During the Qajar Era (A translation of Islamic Art Collection 6th Valum, titled: Occidentalism)*, Tehran: Karang. (Text in Persian).
- Khazayi, M. (2002). *Proceeding of First Conference Islamic art of Persia*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance (Text in Persian).
- Kiani, F. (2011). An Introduction to the Art of Persian Tiling, *Ketab Mah (Honar)*, No: 153, pp: 1109-125 (Text in Persian).
- Kiani, Y. (1997). *Decorations Related with The Iranian Architecture of the Islamic Period* Tehran: Cultural Heritage Handicrafts and Tourism Organization of Iran (Text in Persian).
- Maheronnaghs, M. (2002). *Bricks & Their Usage*, Tehran: Samt (Text in Persian).
- Merasi, M.; Jabary, F. (2013). A Comparative Study of Ston Print Documents and Illustrated Tiles of Qajar Era, *HONAR-HA-YE-ZIBA*, Vol: 18, No: 1, pp: 59-58 (Text in Persian).
- Mousavi, T.; khazayi, M. (2009). Angel and Demon in the Works of Lithography Qajar, *Ketabe Mah (Honar)*, No: 139, pp: 43 (Text in Persian).
- Motazed, K. (2006). Fiddlestick and Violin, Golestan Palace and the Marble Thron, Tehran: Alborz (Text in Persian).
- Pakbaz, R. (2002). *Iranian Painting: From Past till Today*, Tehran: Zarrin-o-Simin (Text in Persian).
- Safarzadeh, N. (2014). A Comparative Study on Picture of Angels in Iran and Europe, *Chideman*, No: 6, pp: 64 (Text in Persian).
- Saif, H. (1983). Altar, The Authentic Manifestation of Islamic Decorative arts, *Honar*, No: 3, pp: 148-153 (Text in Persian).
- Salary Taleghani, M. (2010). *A comparative Study of Tile-Work Motifs of Safavid and Qajar Era*, Islamic Azad University of Tehran (Text in Persian).
- Samanyan, S.; Miraziz, M.; Firuz Abadi, A. (2014). A Reviu on Pictoral Concepts of Tile-Works in Golestan Palace's Main Hall, *HONAR-HA-YE-ZIBA*, Vol: 19, No: 1, pp: 61-62 (Text in Persian).
- Tabatabai, S. (2012). *Encyclopedia of Iranian Art and Architecture based on Grove Art Encyclopedia*, Tehran: Shadrang (Text in Persian).
- Tafazoli, A. (2008). *The History of Islamic Art and Architecture: Mughal Till the End of Qajar Era*, Mashhad: Sokhan Gostar (Text in Persian).
- Tohidi, F. (2007). *Basis of Art*, Tehran: Samira (Text in Persian).
- Zargham, F.; Geroyani, F. (2014). The Role of Virtue and Vice Characters of Hosein Aghasi's Works, *Negareh*, No: 30, pp: 6-15 (Text in Persian).
- Zomarshidi, H. (2012). Tile-Work's Transition in Architectural Works, *Architectural Studies*, Vol: 1, No: 2, pp: 77 (Text in Persian).
- ضربان، ادهم و گروئیانی، فرناز (۱۳۹۳). نقش خیر و شر در شخصیت‌های آثار حسین قولر آقاسی. *نگره*، شماره ۳۰، ۱۵-۶.
- طباطبایی، صالح (۱۳۹۱). *دانشنامه هنر و معماری ایرانی*، تهران: شادرنگ.
- عفیفی، رحیم (۱۳۸۳). *اساطیر و فرهنگ ایران*. تهران: توس.
- فریه، اردلیو (۱۳۷۴). *هنرهای ایران*، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: فرزبان.
- کاربونی، استفانو و ماسویا، توموکور (۱۳۸۱). *کاشی‌های ایرانی*، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
- کریمی، اعظم (۱۳۸۵). بررسی نقوش کاشی کاری کاخ گلستان، *رشد آموزش*، شماره ۱، ۵۶-۶۴.
- کویر، جی.سی (۱۳۷۹). *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: فرشاد.
- کیانی، یوسف (۱۳۷۶). *تزیینات وابسته به معماری ایران دوره اسلامی*، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- کیانی، فاطمه (۱۳۹۰). درآمدی بر هنر کاشی کاری ایران، *کتاب ماه هنر*، شماره ۱۵۳، ۱۱۹-۱۲۵.
- گودرزی، مرتضی (۱۳۸۸). *آیین خيال، بررسی تزیینات معماری دوره قاجار*، تهران: سوره مهر.
- ماهرالنقش، محمود (۱۳۸۱). *کاشی و کاربرد آن*، تهران: سمت.
- مراثی، محسن و جباری، فاطمه (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی تصاویر نسخ چاپ سنگی و کاشی‌های مصور دوره قاجار، *هنرهای زیبا*، دوره ۱۸، شماره ۱، ۵۷-۶۸.
- معتمد، خسرو (۱۳۸۵). *آرشه و ویالون، کاخ گلستان و تخت مرمر*، تهران: البرز.
- موسوی، طاهر و خزایی، محمد (۱۳۸۹). فرشته و دیو در آثار چاپ سنگی قاجاری، *ماه هنر*، شماره ۴۰، ۱۳۹-۴۸.

References

- Azadbakht, M., Tavooosi, M. (2012). *Continuation of the Sasanian Motifs on Ceramics of Samani Period, Negreh*, Vol: 7, No: 22, pp: 56-71 (Text in Persian).
- Afifi, R. (2004). *Iranian Mythology and Culture*, Tehran: Toos (Text in Persian).
- Afzaltousi, E.; Salahi, G.; Salahi, L. (2015). A Study on Tile works with Qajar Women Motif in Houses of Shiraz, *Women in Culture & Arts*, No: 4, pp: 577 (Text in Persian).
- Asadpour, A. (2014). Analysis of the Nature and Structure of the Representating Urban Space in Qajar Tile Work (Case Study: Golestan Palace in Tehran), *Urban-Landscape Research*, No: 1, pp: 7-16 (Text in Persian).
- Ayatollahi, H. (2001). *The Book of Iran: The History of Iranian Art*, Sh. Haghshenas, Tehran: Center for International Cultural Studies (Text in Persian).
- Azhand, Y. (2006). Wall Painting in Qajar Era, *HONAR-HA-YE-ZIBA*, No: 25, pp: 36-41 (Text in Persian).
- Carboni, S.; Masuya, T. (2001). *Persian Tiles*, M. Shayestefar, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance (Text in Persian).
- Cooper, J.C. (2000). *An Illustrated Encyclopedia of Traditional Symbols*, M. Karbasian, Tehran:

The Study of Human Motifs in Golestan Palace (Kakheh Golestan) Complex's Tiles¹

E. Panjehbashi²
F. Farhad³

Received: 2016.09.29

Accepted: 2017.07.01

Abstract

The Golestan Palace complex, residence of Qajar dynasty monarchs, is considered one of the most beautiful and oldest buildings of Iran. This palace consists of a variety of buildings placed beside each other at a large area. The ancient area of Golestan Palace is covered by a lot of tile works decorations. These tiles are a visual set of diverse motifs of national and historical concepts; all portraying and illustrating social and political characteristics and circumstances of Qajar era. The authors of present paper made attempts to investigate the feature of tiles motifs in ancient area of Golestan Palace. What has been studied in present research is the presence of human motif as one of the main Qajar motifs in this building. Accordingly, the following research questions were addressed: Which motifs have been used in the tile works of the ancient area of Golestan Palace? How have been the human motifs depicted in Golestan Palace area? The required *data* were *collected* by means of documentary (*library*) and *field* surveying *approaches* and a historical - analytical *method* was used. The results indicate that human motifs of men and women are amongst the significant motifs which have been depicted in different realistic and abstract formats. Motifs of men are more regular than woman's, and the western methods had a great effect on depicting human motifs depicting and characters' clothing. Aside from westernization, motifs have kept Iranian intellectual originality in thematic format. Therefore, we can see a linkage between Iranian and European art in human motifs of Golestan Palace area.

Key words: Qajar, Golestan Palace, Tile, Human, Motif.

¹ DOI: 10.22051/jjh.2017.11958.1167.

² Assistant Prof. of Painting, Alzahra University, Tehran, Iran, (Corresponding Author). e.panjehbashi@alzahra.ac.ir

³ M.A. of Visual Communication, Islamic Azad University Central Tehran Branch, Tehran, Iran. Farnia_farhad@yahoo.com